



نویسنده : سید دلاور یعقوبی

بررسی معضل طرد اجتماعی معلولین در افغانستان

مقدمه

بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت بیشتر از 10 فیصد تمام نفوس جهان را اشخاص دارای معلولیت تشکیل می دهند. هر گاه این رقم را از زاویه وسیع تر یعنی بعد اجتماعی و اقتصادی مورد غور و بررسی قرار دهیم ممکن است به این رقم افزوده شود. مهم تر از همه اینکه آسیب پذیرترین تعداد این 10 فیصد در کشورهای رو به توسعه یا کمتر توسعه یافته به سر می برند (کمالی، 1379). در افغانستان آمار جمعیت شناختی دقیقی از معلولین وجود ندارد. طبق تازه ترین تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر که به اساس سروی بنیاد آسیا صورت گرفته است، بیش از 13 درصد جمعیت افغانستان یعنی حدود 4.5 میلیون نفر دارای معلولیت هستند که نسبت به 14 سال پیش، بیش از 11 درصد افزایش را نشان می دهد. (<https://www.bbc.com/>) اما به نظر می رسد آمار واقعی معلولین در افغانستان بسیار بیشتر از آنچه که در آمارهای رسمی اعلام می شود، باشد.

به هر حال با اتکا به هر آماری، معلولیت همزاد با پیدایش انسانها بوده و قدمتی دیرینه دارد. در هر دوره ای افرادی بودند که از نظر فعالیت های اجتماعی و کنش های ذهنی پائین تر از حد معمول بودند، اما معضل این است که آنها همیشه جزء مطرودین جامعه بوده اند (مانکوف و دیگران، 2010). متأسفانه این افراد دچار ناتوانی، اکثراً بیکار، دارای اشتغال ناقص و از نظر اجتماعی منزوی، فقیر و کمتر تحصیل کرده و دارای برچسب یا داغ اجتماعی و محروم بوده اند. نرخ بیکاری آنان حداقل 3 برابر افراد عادی می باشد. نظریه پردازان استدلال می کنند که معلولیت گونه ای از سرکوب و طرد اجتماعی است و معلولین نابرابری قابل ملاحظه ای را در همه ابعاد زندگی تجربه می کنند: روابط و مشارکتهای اجتماعی، تحصیل، بهداشت، اشتغال، مسکن و حمل و نقل از جمله آنان هستند (بارنز و همکاران، 1999).

یکی از دغدغه های اصلی معلولین طرد آنان از اجتماع می باشد. طرد افراد از گروه باعث می شود معلولین تمامی مزایای روانشناختی و مادی مربوط به عضویت، مانند شبکه های اجتماعی، حمایت اجتماعی و اطلاعاتی، دسترسی به منابع و غیره را از دست بدهند. در نتیجه نباید تعجب کرد که افراد در پی طرد اجتماعی، اغلب دچار احساس کاهش در خودکارآمدی می شوند (مکلو گلینولب و همکاران، 2005 به نقل از أبرامز و همکاران، 2007). طرد اجتماعی بر افراد متاثر از آن بسیار ویرانگر است. ضررهای ابتدایی اجتماعی از لحاظ تحصیلی، سلامت و مسکن حاکی از طرد در آینده است. نابرابری منابع نیز فراتر از توانایی شرکت داشتن در محصولات اقتصادی است. منابع ممکن است مادی، اقتصادی، بهداشتی یا تحصیلی باشند، اما شناسایی منابع اجتماعی و روانشناختی نیز مهم است. این منابع شامل محصولاتی نمادین مانند اعتبار، حرمت، احترام، استقلال، خودمختاری و دیگر ویژگی ها است (تاجفل و ترنز، 1979 به نقل از أبرامز و همکاران، 2007). با توجه به اینکه امروزه توسعه و بهبود حیات اجتماعی در همه جوامع مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است، توجه و رفع این معضل به عنوان یکی از مهمترین معضلات معلولین یکی از اولین پیش شرط های اساسی در جهت توسعه پایدار است. طرد اجتماعی با هر معیاری که اندازه گیری شود، تهدیدی علیه خوشبختی شخصی، رفاه اجتماعی و منشاء بسیاری از مشکلات اجتماعی است.

تعریف طرد اجتماعی

واژه «طرد» به این معناست که کسی یا چیزی توسط دیگری رانده شده است (گیدنز و بردسال، 1386). طرد اجتماعی عبارت است از فرآیندی که در نتیجه آن گروه های اجتماعی و افراد معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می شوند (بلیک مور، 1385). طرد اجتماعی شامل گسست اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی میان افراد و جامعه است (پیرسون، 2002). در تعریف دیگر، طرد اجتماعی به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان های اجتماعی است (فیتز، 1381). تمامی این تعاریف حول محور طرد اجتماعی به ناتوانی افراد در مشارکت در جامعه ای اشاره دارد که در آن زندگی می کنند و همچنین به ابعاد گوناگون مادی، اجتماعی و سیاسی زندگی فرد در جامعه تاثیر می گذارد. بنابراین در تعریفی کوتاه با تمرکز بر مشارکت می توان گفت که فردی از لحاظ اجتماعی طرد شده است که در فعالیت های اساسی جامعه ای که در آن زندگی می کند، مشارکت نمی کند (برچارد، لوگراند و پیچاد، 1999، 2002).

با وجود پیوستن افغانستان به کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت در سال 2011 میلادی معلولین افغانستان با محدودیت ها و چالش های عمده ای رو به رو هستند که یکی از اساسی ترین آنها طرد اجتماعی می باشد. طرد اجتماعی تنها مربوط به سطح درآمد نمی شود و به مسائل دیگری چون سلامت، تحصیلات، دسترسی به خدمات و خانواده نیز بستگی دارد. زمانی که از طرد اجتماعی سخن به میان می آوریم مشکل ما تنها نابرابری میان طبقه بالا و پائین جامعه نیست بلکه فاصله ای است که میان افراد فعال جامعه و افراد به حاشیه رانده شده جامعه است (پیرسون، 2002). بدنامی و شرمساری اجتماعی نیز یکی دیگر از ابعاد طرد اجتماعی محسوب می شود که ریشه های آن مربوط به تفاوت های فردی و گروهی است. درد و آسیب روحی که فرد بدنام در جامعه تجربه می کند مربوط به احساس ترحم، ترس، تنفر و عدم پذیرش سایر افراد است که بواسطه تفاوت فرد از لحاظ شخصیتی، ظاهر فیزیکی، بیماری و معلولیت، سن، جنسیت و تمایلات جنسی بروز می کند. می توان بدنامی اجتماعی را به عنوان عاملی تعریف کرد که شخص و یا اشخاصی را نزد سایر افراد بی اعتبار می کند (نولان و همکاران، 2006 با نقل از گراهام و همکاران، 2003)

ابعاد طرد اجتماعی در میان معلولین

معلولیت گونه ای از سرکوب و طرد اجتماعی است و معلولین نابرابری قابل ملاحظه ای را در همه ابعاد زندگی اجتماعی تجربه می کنند. به نظر اوندرو (2000) طرد اجتماعی با ابعاد طرد از منابع مادی، روابط اجتماعی، فعالیتهای مدنی، خدمات اساسی و روابط همسایگی فهم می شود (اوندرو، 2000 به نقل از غفاری و تاج الدین، 1384). در بسیاری از کشورها بیکاری، فقر و وابستگی از جمله مشکلات عمده ی اکثریت معلولین است و آنها همیشه جزء مطرودین جامعه بوده اند. بارنز و همکاران نیز اذعان می دارند که افراد دچار ناتوانی اکثراً بیکار، دارای اشتغال ناقص و از نظر اجتماعی منزوی و فقیر و کمتر تحصیل کرده و دارای برچسب یا داغ اجتماعی و محروم بوده اند. سیلور (1995) لیست مواردی که معلولین از آن محروم هستند: شامل امرار معاش، امنیت، اشتغال دائمی، درآمد، اموال، اعتبار، زمین، مسکن، حداقل سطح مصرف، تحصیلات، مهارت، سرمایه فرهنگی، رفاه اجتماعی، حقوق شهروندی، برابری حقوقی، حضور دموکراتیک، کالاهای عمومی، نژاد ملی، معاشرت اجتماعی، احترام و موفقیت می گردد. (آبرامز و همکاران، 2007) آرجان دهان نیز اذعان می دارد مفهوم طرد اجتماعی یک مفهوم چند بعدی است. معلولین از معیشت، اشتغال و بازار کار، تحصیلات، یا احترام طرد می شوند. بورچارد، لوگراند و پیچاد، چهار بعد را برای طرد اجتماعی متصور شده اند:

اول - مصرف: که از طریق توانایی در خرید کالاها و خدمات مورد نیاز مورد سنجش قرار می گیرد.

دوم - تولید: که از طریق مشارکت در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی سودمند مورد سنجش قرار می گیرد.

سوم - سیاسی: که بواسطه مشارکت و تصمیم گیری محلی و ملی مورد سنجش قرار می گیرد.

چهارم - اجتماعی: که بواسطه قاعده مندی و بسامد ملاقات با دوستان، خانواده و همسایگان مورد ارزیابی قرار می گیرد.

همانطور که گفته شد طرد اجتماعی شامل فرآیندی است که افراد بوسیله آن از عدم مشارکت در روابط اجتماعی، بازار کار، تحصیلات و متعاقباً بدنامی و شرمساری اجتماعی رنج می برند. اینک به تعریف ابعاد طرد اجتماعی می پردازیم:

یک - مشارکت: مشارکت، فرآیند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم سازی فرصت برای رده های پایین جمعیتی برای بهبود شرایط زندگی آنها است (طوسی، 1370، به نقل از ازکیا و غفاری، 1384). سطح مشارکت معلولان در امورات اجتماعی افغانستان ضعیف بوده و کمیسیون حقوق بشر از دولت خواهان انکشاف و تجهیز محیط های تعلیمی و بازرگاری طرز العمل استخدام معلولان در ادارات دولت شده و گفته برنامه های حمایت اجتماعی از معلولان در بخش های بهداشتی، آموزشی و اقتصادی باید توسعه یابد.

دو - روابط اجتماعی: افراد از طریق روابط اجتماعی و میزان تماسها و دیدارهای شان با خویشاوندان و دوستان در اجتماع ادغام شده و منابع حمایتی خود را شکل داده و حفظ می کنند. گزارش حقوق بشر نشان می دهد که بیش از 38 درصد معلولان در افغانستان به دلیل معلولیت در خانه و اجتماع مورد خشونت، توهین، تحقیر و آزار و اذیت قرار گرفتند.

سه - شرمساری (بدنامی اجتماعی): شرمساری اجتماعی جنبه دیگری از طرد اجتماعی است و در نقطه مقابل آنچه که آدام اسمیت «توانایی ظاهر شدن در جمع بدون شرم می نامید» قرار دارد. این جنبه از طرد، اشاره به خصیصه عمیقایی اعتبار کننده یا نشانه بدنامی اجتماعی دارد که در کانون توجه دیگران قرار می گیرد و تعاملات خوشایند و آسان را برای فرد دشوار می سازد (گافمن، 1396؛ به نقل از صادقی، 1388).

چهار - شغل: هر گونه فعالیت مزدبگیری که در آن فرد به طور مستقیم کار می کند و هر نوع فعالیت جسمی و فکری که مولد، مفید، مجاز و دارای درآمد باشد، شغل می گویند (توسلی، 1385). معلولین در افغانستان بیشتر از هر قشر دیگری از کار و فعالیت اجتماعی باز مانده اند. طبق گزارش کمیسیون حقوق بشر نزدیک به 68 درصد معلولین مصاحبه شونده از حق دسترسی به کار محروم ماندند که تبعیض در روند استخدام به دلیل معلولیت، عدم رعایت قانون، ضعف جسمی، نداشتن سواد کافی و عدم موافقت خانواده با کارکردن شان را از دلایل خاص این مشکل خواندند. اکنون کمتر از یک درصد از کارمندان دولت را افراد دارای معلولیت تشکیل می دهد که نسبت به تعداد آنها بسیار کم خوانده می شود.

پنج - تحصیلات: تحصیلات، میزان سالهای آموزشی است که فرد طی دوره های رسمی گذرانیده است. بر اساس گزارش تازه حقوق بشر در افغانستان بیش از 71 درصد مصاحبه شوندگان، به آموزش دسترسی ندارند و دوری راه، عدم پذیرش از سوی مکتب، نبود سهولت های لازم، ممانعت خانواده، مشکلات اقتصادی و عدم علاقمندی شخصی را از جمله دلایل این وضعیت خوانده اند.

نتیجه گیری

این تحقیق گویای این موضوع است که یکی از بارزترین مشخصه های وضعیت اجتماعی، اقتصادی معلولین این است که آنها دچار طرد اجتماعی شده اند. آنها در فعالیت های اجتماعی مشارکت اندکی دارند، روابط اجتماعی آن ها بسیار پایین است، اکثرا بیکار، بیسواد و یا دارای اشتغال ناقص هستند. معلولین زیر بار مشاغلی با دستمزد اندک می روند، مشاغلی که از سوی افراد غیر معلول، به سادگی پر نمی شود یا نوعی شغل به حساب نمی آیند که از جانب معلولین به عنوان شغل پیش برده می شوند. بیکاری، فقر و وابستگی از جمله مشکلات عمده ی اکثر معلولین به شمار می رود و به تبع آن، معلولین، شرمساری و بدنامی اجتماعی شدیدی را تجربه می کنند. آنها با توجه به شعاع منابع حمایتی از سطح سواد پایینی برخوردارند و فرصت دسترسی کمی به اطلاعاتی را دارند که می تواند در شرایط آن ها موثر باشد. در بعد مشارکت اجتماعی، معلولین در فعالیت های رسمی و غیر رسمی طرد اجتماعی شدیدی را تجربه می کنند. در نهایت اینکه معلولین به دلیل فقر و موقعیت اجتماعی خاصی که در آن به سر می برند در معرض تجربه تحقیر آمیز و طعنه آمیزی قرار می گیرند که بر کیفیت روابط شخصی آن ها سایه می افکند و می تواند به ایجاد فاصله آنها از سایر جامعه دامن زند. با این وجود طرد معلولین پدیده ای موقتی و گذرا نیست، بلکه در طول دوره زندگی آنها تداوم داشته و به تدریج سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و روانی آن ها را متاثر ساخته و به طور فزاینده آن ها را به حاشیه رانده است.

راهکار

با توجه به تحقیق فوق راه حلی که می توان جهت رفع معضل طرد اجتماعی معلولین در جامعه افغانستان پیشنهاد نمود، تمرکز و توجه هر چه بیشتر بر اشاعه بیشتر اصل کرامت انسانی و فرهنگ سازی در زمینه رعایت حقوق بشری در بافت های گوناگون جامعه می باشد.

از جمله موثرترین روش ها در زمینه شکوفایی فرهنگ احترام به کرامت انسانی در قبال معلولین می توان به تهیه پروگرام های متنوع صوتی و تصویری در قالب میزگردها، گفتمان ها، فیلم، تیاتر، پرسش و پاسخ، دعوت و گفتگو با معلولین، تقدیر از معلولین، تهیه مستند و غیره در رادیو و تلویزیون های خصوصی و دولتی، همچنین تشویق به برگزاری ورکشاپ ها و سمینارها تحت عنوان رعایت حقوق انسانی معلولین در جامعه و ادارات دولتی و خصوصی اشاره نمود.

گنجاندن محتوای درسی مناسب با این موضوع در نصاب های درسی مکاتب و پوهنتون ها نیز می تواند تلاش موثری در این زمینه باشد. قطعا در جامعه ای مانند افغانستان که بیشتر مردم از سطح سواد پایینی برخوردارند، میزان تبلیغات از طریق نشرات تلویزیونی و رادیویی می تواند بیش از هر راه دیگری منجر به رعایت حقوق شهروندی و پذیرش عمومی معلولین در جامعه شود. و در نهایت افزایش حمایت های اجتماعی و حقوقی از معلولین، ذهنیت پذیرش این قشر در جامعه را تقویت نموده و باعث افزایش خودباوری و اعتماد به نفس در میان معلولین می گردد.

پذیرش معلولین در جامعه عامل مهمی در توسعه روابط اجتماعی و گسترش حضور موثر و مفید معلولین در جامعه است.

منابع

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا(1384)، **جامعه شناسی توسعه**، تهران، شرکت انتشارات کیهان.
- بلیک مور، کن(1385)، **مقدمه ای بر سیاست گذاری اجتماعی**، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- توسلی، غلامعباس (1385)، **جامعه شناسی کار و شغل**، انتشارات سمت.
- صادقی، علیرضا (1388)؛ **بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی**: مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امداد در روستاهای دهستان ملارد از شهرستان شهریار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و محمد باقر تاج الدین (1384). **شناسایی مولفه های محرومیت اجتماعی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره 17.
- فیتز پتریک، تونی (1381)، **نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست؟**؛ ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر گام نو، چاپ اول.
- کمالی، محمد (1379)؛ **فقر و ناتوانی در ایران**؛ مجموعه مقالات فقر در ایران زیر نظر رئیس دانا و دیگران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (1386)، **جامعه شناسی**؛ ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- گزارش وضعیت حقوق بشری اشخاص دارای معلولیت در افغانستان 1394-1395، سال نشر 1396، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

Abrams D, J. Christian and D. Gordon (2007), **Multidisciplinary Handbook of Social Exclusion Research**, 2007 John Wiley & Sons.

Barnes, C. Mercer, G. & Shakespeare T. (1999), **Exploring Disability: A Sociological Introduction**. Cambridge: Polity press.

Jennifer Mankoff, Gillian R Hayes, Devva Kasnitz. 2010. **Disability studies as a source of critical inquiry for the field of assistive technology**. In ASSETS 2010.

Pierson, Jone (2002), **tracking social exclusion**, Rutledge.

Burchardt, T. Le Grand, J. and Piachaud, D. (2002), **Degrees of exclusion: developing a dynamic multidimensional measure**, in J. Hills et al. (eds) Understanding Social Exclusion. Oxford: Oxford University Press, pp 30-43.

Graham, N., Lindesay, J., Katona, C., Bertolote, M.M., Camus, V., Copeland, J.,

Silver, H. (1994), **Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms**. IILS.

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-56554371>

<https://8am.af/from-confusion-to-confusion-disability-throughout-history/>